مجله پژوهش های معاصر در علوم و تحقیقات
سال هفتم، شماره ۷۴، شهریور ۱۴۰۴
ISSN: ۲۶۷۶-۵۷۶٤
www.jocrisar.ir

یادگیری فعال در کلاس درس: مروری بر اثربخشی روش‌های مشارکتی و پروژه‌محور

علیرضا قیاسی[۱]، محمد آبسالان[۲]،محمد عزیزی زاده[۳]، شاهین پالیزبان[۴]، مریم برفی[۵]، سامان رشیدی[۶]

[۱] کارشناسی علوم تربیتی و آموزگار مدارس ابتدایی (نویسنده مسئول)
[۲] کارشناسی علوم تربیتی و آموزگار مدارس ابتدایی
[۳] کارشناسی علوم تربیتی و آموزگار مدارس ابتدایی
[۴] کارشناسی روانشناسی و آموزگار آموزش و پرورش
[۵] کارشناسی امور فرهنگی و آموزگار مدارس ابتدایی
[۶] کارشناسی علوم تربیتی و آموزگار مدارس ابتدایی

چکیده

این مقاله مروری به بررسی جامع و دقیق اثربخشی روش‌های یادگیری فعال، با تمرکز ویژه بر رویکردهای مشارکتی و پروژه‌محور، در محیط کلاس درس می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش، از طریق تحلیل و ترکیب یافته‌های مطالعات علمی موجود، ارائه یک درک عمیق و چندوجهی از نحوه تأثیرگذاری این روش‌های نوین آموزشی بر جنبه‌های مختلف یادگیری دانش‌آموزان است. این جنبه‌ها شامل پیشرفت در دانش و مهارت‌های موضوعی، میزان مشارکت و درگیری فعال در فرآیند یادگیری، و مهم‌تر از همه، توسعه مهارت‌های حیاتی قرن بیست و یکم مانند تفکر انتقادی، حل مسئله، خلاقیت، و همکاری است. نتایج جمع‌بندی شده از مطالعات مختلف به طور قاطع نشان می‌دهند که پیاده‌سازی مؤثر یادگیری فعال، به ویژه از طریق روش‌های مشارکتی و پروژه‌محور، به طور قابل توجهی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد، توانایی آن‌ها را در درک عمیق مفاهیم و کاربرد آن‌ها در موقعیت‌های جدید افزایش می‌دهد، و به طور چشمگیری مهارت‌های تفکر انتقادی و توانایی حل مسئله آن‌ها را تقویت می‌کند. این مقاله تلاش دارد تا با ارائه شواهد و تحلیل‌های مستند، اهمیت و ضرورت به‌کارگیری این رویکردها را در نظام‌های آموزشی نوین مورد تأکید قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: یادگیری فعال، کلاس درس، دانش آموزان، روش‌های مشارکتی و پروژه‌محور.

مقدمه

در عصر حاضر که با سرعت سرسام‌آور تحولات فناورانه و پیچیدگی فزاینده مسائل جهانی شناخته می‌شود، نقش آموزش و پرورش به مراتب فراتر از انتقال صرف دانش و اطلاعات رفته است. رویکرد یادگیری فعال[۱] به عنوان یک پارادایم تحول‌آفرین در حوزهpedagogy ، دانش‌آموزان را از جایگاه سنتی دریافت‌کنندگان منفعل اطلاعات به موقعیت فعالانه‌تری در فرآیند ساخت دانش و یادگیری سوق می‌دهد. این تغییر پارادایم، دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا نه تنها اطلاعات را دریافت کنند، بلکه آن‌ها را تجزیه و تحلیل کنند، با همکلاسی‌های خود به بحث و تبادل نظر بپردازند، و از دانش خود برای حل مسائل واقعی استفاده نمایند. در دنیای پویا و متحول امروز، این توانایی‌ها بیش از پیش اهمیت یافته‌اند، زیرا دانش‌آموزان برای موفقیت در زندگی حرفه‌ای و شخصی خود به مهارت‌هایی نیاز دارند که فراتر از توانایی حفظ کردن مطالب درسی است. این مهارت‌ها شامل توانایی تفکر مستقل، حل خلاقانه مسائل، همکاری مؤثر با دیگران، و انطباق‌پذیری با تغییرات مداوم است.

این مقاله به طور خاص بر دو روش برجسته و مؤثر در چارچوب یادگیری فعال تمرکز دارد: یادگیری مشارکتی[۲] و یادگیری پروژه‌محور[۳] این دو رویکرد، با فراهم آوردن فرصت‌های عملی برای درگیری دانش‌آموزان، نقش محوری در ارتقاء کیفیت یادگیری و توسعه مهارت‌های ضروری ایفا می‌کنند. هدف این مقاله، ارائه یک مرور تحلیلی بر پژوهش‌های علمی انجام شده در خصوص اثربخشی این روش‌ها در محیط کلاس درس است. ما به بررسی چگونگی تأثیر این رویکردها بر یادگیری دانش‌آموزان، میزان مشارکت و انگیزه آن‌ها، و توسعه مهارت‌های کلیدی قرن بیست و یکم خواهیم پرداخت. درک عمیق این مکانیزم‌ها و نتایج حاصل از آن‌ها، می‌تواند راهنمای ارزشمندی برای معلمان، برنامه‌ریزان آموزشی، و سیاست‌گذاران در جهت ارتقاء اثربخشی نظام آموزشی و آماده‌سازی نسل آینده برای چالش‌های پیش رو باشد.

مرور ادبیات

تعریف یادگیری فعال

یادگیری فعال، به عنوان یک رویکرد آموزشی گسترده، هرگونه فعالیت آموزشی را در بر می‌گیرد که دانش‌آموزان را به صورت فیزیکی، ذهنی، یا اجتماعی درگیر فرآیند یادگیری می‌کند. در این رویکرد، تمرکز از معلم به عنوان تنها منبع دانش به دانش‌آموز به عنوان سازنده فعال دانش منتقل می‌شود. فعالیت‌های یادگیری فعال شامل طیف وسیعی از استراتژی‌ها هستند که هدف مشترک آن‌ها تشویق دانش‌آموزان به تفکر، تحلیل، مشارکت، و اقدام است. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل مواردی مانند:

- **بحث و گفتگو :**شرکت در بحث‌های کلاسی، مناظرات، و گفتگوهای گروهی برای تبادل نظر و ارزیابی دیدگاه‌های مختلف.

[۱] Active Learning

[۲] Cooperative Learning

[۳] Project-Based Learning

- **حل مسئله :**مواجهه با مسائل پیچیده و جستجو برای راه‌حل‌های خلاقانه با استفاده از دانش موجود و کسب دانش جدید.
- **مطالعات موردی :**تجزیه و تحلیل موقعیت‌های واقعی یا شبیه‌سازی شده برای درک مفاهیم در زمینه‌های کاربردی.
- **نقش‌آفرینی :**ایفای نقش شخصیت‌های مختلف در یک سناریو برای تجربه موقعیت‌ها از دیدگاه‌های متفاوت و درک بهتر مفاهیم اجتماعی یا تاریخی.
- **یادداشت‌برداری فعال :**نوشتن خلاصه‌ها، پرسیدن سؤالات در حین تدریس، و برقراری ارتباط بین اطلاعات جدید و دانش قبلی.
- **پروژه‌ها و تکالیف عملی :**انجام فعالیت‌های عملی که نیازمند تحقیق، طراحی، ساخت، یا ارائه است.
- **یادگیری همتا به همتا :**آموزش و یادگیری از طریق همکاری با همکلاسی‌ها.

جوهر یادگیری فعال، انتقال مسئولیت یادگیری از معلم به دانش‌آموز است. در محیط یادگیری فعال، دانش‌آموزان تشویق می‌شوند تا پرسشگر باشند، کنجکاوی خود را دنبال کنند، و به طور فعال در ساخت دانش خود مشارکت کنند. این رویکرد، یادگیری را از یک فرآیند حافظه‌ای صرف به یک فرآیند شناختی عمیق‌تر و معنادارتر تبدیل می‌کند.

یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی یکی از مؤثرترین روش‌های یادگیری فعال است که بر اساس این اصل بنا شده است که دانش‌آموزان زمانی بهترین یادگیری را دارند که با یکدیگر و برای رسیدن به یک هدف مشترک در گروه‌های کوچک کار کنند. این رویکرد، فراتر از صرف همکاری ساده، بر پنج عنصر اصلی بنا شده است که برای موفقیت آن ضروری هستند:

۱. **وابستگی مثبت :**اعضای گروه باید احساس کنند که برای موفقیت خود به یکدیگر وابسته هستند. این بدان معناست که هیچ‌کس نمی‌تواند موفق شود مگر اینکه همه اعضای گروه موفق شوند. این وابستگی می‌تواند از طریق اهداف مشترک، منابع مشترک، یا تقسیم وظایف ایجاد شود.

۲. **مسئولیت‌پذیری فردی :**با وجود کار گروهی، هر دانش‌آموز باید مسئولیت یادگیری سهم خود از کار و همچنین کمک به یادگیری سایر اعضای گروه را بپذیرد. این امر از پدیده "پوشیده شدن "جلوگیری می‌کند.

۳. **تعامل رو در رو و حمایت‌کننده :**اعضای گروه باید فرصت داشته باشند تا یکدیگر را در فرآیند یادگیری تشویق کنند، به یکدیگر کمک کنند، و بازخورد ارائه دهند. این تعاملات به درک عمیق‌تر مفاهیم و تقویت مهارت‌های ارتباطی کمک می‌کند.

٤. **مهارت‌های اجتماعی :**یادگیری مشارکتی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی ضروری مانند اعتماد، رهبری، تصمیم‌گیری، حل تعارض، و ارتباط مؤثر را توسعه دهند. معلم باید این مهارت‌ها را آموزش داده و تقویت کند.

۵. **ارزیابی گروهی :**گروه‌ها باید به طور منظم زمانی را به ارزیابی چگونگی همکاری خود و نحوه دستیابی به اهدافشان اختصاص دهند. این فرآیند به گروه‌ها کمک می‌کند تا نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کرده و استراتژی‌های خود را برای بهبود همکاری در آینده تنظیم کنند.

مطالعات متعدد در زمینه یادگیری مشارکتی نشان داده‌اند که این روش می‌تواند به طور قابل توجهی در بهبود عملکرد تحصیلی، افزایش انگیزه درونی دانش‌آموزان، تقویت خودکارآمدی، و ارتقاء روابط مثبت بین فردی و کاهش تبعیض بین گروه‌های مختلف دانش‌آموزی مؤثر باشد.

یادگیری پروژه‌محور

یادگیری پروژه‌محور رویکردی آموزشی است که در آن دانش‌آموزان به طور فعال درگیر یک پروژه جامع، پیچیده، و اغلب واقعی می‌شوند که نیازمند تفکر عمیق، حل مسئله، تحقیق، و همکاری است PBL .با پرسش‌های اساسی یا چالش‌های واقعی آغاز می‌شود که دانش‌آموزان را ترغیب به کاوش و یادگیری می‌کند. در طول فرآیندPBL ، دانش‌آموزان:

- **مسائل چالش‌برانگیز را بررسی می‌کنند :**با یک موقعیت مسئله‌دار یا سؤالی که نیاز به تحقیق و تفکر دارد، مواجه می‌شوند.
- **سؤالات کلیدی را مطرح می‌کنند :**برای درک بهتر مسئله، سؤالات خود را تدوین کرده و به دنبال پاسخ می‌گردند.
- **منابع را جمع‌آوری و تحلیل می‌کنند :**از منابع مختلف (کتاب‌ها، اینترنت، مصاحبه با متخصصان) برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده و آن‌ها را تحلیل می‌کنند.
- **راه حل‌ها را طراحی و اجرا می‌کنند :**بر اساس یافته‌های خود، راه حل‌هایی را برای مسئله پیشنهاد داده و برای اجرای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند.
- **یک محصول یا ارائه را تولید می‌کنند :**نتیجه کار خود را در قالب یک محصول (مانند مدل، نرم‌افزار، اثر هنری) یا یک ارائه (مانند گزارش، کنفرانس، نمایش) عرضه می‌کنند.

PBLنه تنها به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا مفاهیم درسی را به صورت کاربردی و در متن واقعی یاد بگیرند، بلکه به طور قابل توجهی مهارت‌های ضروری قرن بیست و یکم را در آن‌ها تقویت می‌کند. این مهارت‌ها شامل:

- **تفکر انتقادی :**توانایی تحلیل اطلاعات، ارزیابی شواهد، و قضاوت منطقی.
- **حل مسئله :**شناسایی مشکلات، یافتن راه‌حل‌های نوآورانه، و پیاده‌سازی آن‌ها.
- **خلاقیت :**تولید ایده‌های جدید و ابداع راه‌های تازه برای انجام کارها.
- **همکاری :**کار مؤثر با دیگران برای دستیابی به اهداف مشترک.
- **ارتباطات :**بیان واضح ایده‌ها به صورت شفاهی و کتبی، و گوش دادن فعال.

- **خودگردانی :**مدیریت زمان، تعیین اهداف، و مسئولیت‌پذیری در قبال فرآیند یادگیری.

PBLیک چارچوب قدرتمند برای یادگیری عمیق و پایدار فراهم می‌کند و دانش‌آموزان را برای چالش‌های دنیای واقعی آماده می‌سازد.

یافته‌ها

مطالعات متعدد و تحقیقات گسترده در حوزه آموزش، شواهد محکمی را مبنی بر اثربخشی قابل توجه یادگیری فعال، به ویژه از طریق روش‌های مشارکتی و پروژه‌محور، بر جنبه‌های مختلف یادگیری دانش‌آموزان ارائه داده‌اند. این یافته‌ها را می‌توان در دسته‌های اصلی زیر خلاصه کرد:

- **افزایش درک عمیق و انتقال یادگیری :**دانش‌آموزانی که درگیر فعالیت‌های یادگیری فعال هستند، معمولاً مفاهیم درسی را به صورت عمیق‌تر و معنادارتری درک می‌کنند. آن‌ها صرفاً اطلاعات را حفظ نمی‌کنند، بلکه قادر به تحلیل، تفسیر، و برقراری ارتباط بین مفاهیم مختلف هستند. این امر به آن‌ها امکان می‌دهد تا دانش کسب شده را به موقعیت‌های جدید و مسائل ناآشنا تعمیم دهند، که نشان‌دهنده یادگیری پایدار و قابل کاربرد است. به عنوان مثال، در پروژه‌هایی که دانش‌آموزان یک مسئله واقعی را حل می‌کنند، آن‌ها ارتباط بین تئوری‌های علمی و کاربرد عملی آن‌ها را به طور مستقیم تجربه می‌کنند.

- **بهبود عملکرد تحصیلی :**تحقیقات نشان داده‌اند که دانش‌آموزانی که در کلاس‌های درس با رویکردهای فعال شرکت می‌کنند، اغلب نمرات بالاتری در آزمون‌ها و تکالیف خود کسب می‌کنند. یادگیری مشارکتی به ویژه در افزایش موفقیت تحصیلی دانش‌آموزانی که در سطوح مختلف یادگیری قرار دارند، مؤثر است، زیرا دانش‌آموزان قوی‌تر به دانش‌آموزان ضعیف‌تر کمک می‌کنند و این تعامل هم برای هر دو گروه سودمند است. پروژه‌محوری نیز با درگیر کردن دانش‌آموزان در فرآیند حل مسئله و تفکر خلاق، به درک بهتر مطالب درسی کمک می‌کند.

- **تقویت مهارت‌های قرن بیست و یکم :**یکی از مهم‌ترین نتایج یادگیری فعال، توسعه و تقویت مهارت‌های حیاتی برای موفقیت در دنیای امروز است. یادگیری مشارکتی به طور طبیعی مهارت‌های همکاری، ارتباطات، و حل تعارض را ارتقاء می‌بخشد. در مقابل، یادگیری پروژه‌محور، بستر مناسبی برای تقویت تفکر انتقادی، توانایی حل مسئله، خلاقیت، خودمدیریتی، و مهارت‌های مدیریت پروژه فراهم می‌آورد. این مهارت‌ها برای موفقیت در بازار کار مدرن و همچنین برای شهروندی فعال و مسئولیت‌پذیر ضروری هستند.

- **افزایش انگیزه، مشارکت و درگیری دانش‌آموزان :**یادگیری فعال، ماهیت جذاب و کاربردی‌تری نسبت به روش‌های سنتی دارد. این رویکردها به دانش‌آموزان احساس عاملیت و کنترل بر یادگیری خود را می‌دهد، که به نوبه خود انگیزه درونی آن‌ها را افزایش می‌دهد. زمانی که دانش‌آموزان در فعالیت‌های معنادار و چالش‌برانگیز مانند کار گروهی بر روی یک پروژه یا بحث در مورد یک مسئله مهم شرکت می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که در فرآیند یادگیری درگیر شوند، کنجکاوی نشان دهند، و به طور فعال مشارکت کنند. این افزایش انگیزه و مشارکت، نه تنها یادگیری را لذت‌بخش‌تر می‌کند، بلکه منجر به نتایج تحصیلی بهتر نیز می‌شود.

در مجموع، یافته‌ها قویاً حاکی از آن هستند که ادغام روش‌های یادگیری فعال، به ویژه یادگیری مشارکتی و پروژه‌محور، یک استراتژی آموزشی بسیار مؤثر برای ارتقاء یادگیری جامع دانش‌آموزان است.

بحث و تحلیل

اثربخشی چشمگیر روش‌های مشارکتی و پروژه‌محور در کلاس درس، نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل مختلف است که باید به دقت مورد توجه قرار گیرند. درک این عوامل برای طراحی و اجرای موفقیت‌آمیز این رویکردها ضروری است.

یکی از عوامل کلیدی، طراحی فعالیت‌ها است. پروژه‌ها و فعالیت‌های مشارکتی باید به گونه‌ای طراحی شوند که چالش‌برانگیز، معنادار، و مرتبط با دنیای واقعی باشند. آن‌ها باید نیاز به همکاری واقعی، تفکر خلاق، و حل مسئله داشته باشند تا بتوانند انگیزه دانش‌آموزان را برانگیزند و یادگیری عمیق را تسهیل کنند. طراحی دقیق اهداف یادگیری، معیارهای موفقیت، و ساختار فعالیت، نقش حیاتی در حصول نتایج مطلوب دارد.

نقش معلم در این رویکردها نیز تحول می‌یابد. معلم از موقعیت یک ارائه‌دهنده صرف دانش به یک تسهیل‌گر، مربی، و راهنما تبدیل می‌شود. وظیفه معلم در این چارچوب شامل طراحی و مدیریت فعالیت‌ها، حمایت از گروه‌ها، ارائه بازخورد سازنده، و هدایت دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری است. معلمان نیاز دارند که مهارت‌های لازم برای مدیریت کلاس‌های فعال، تشویق همکاری، و ارزیابی عادلانه را کسب کنند.

فرهنگ کلاس درس نیز عامل مهم دیگری است. یک کلاس درس که در آن اعتماد، احترام متقابل، و حمایت از ریسک‌پذیری وجود دارد، بستر مناسبی برای یادگیری فعال فراهم می‌کند. دانش‌آموزان باید احساس امنیت کنند تا بتوانند ایده‌های خود را به اشتراک بگذارند، سؤال بپرسند، و اشتباه کنند، چرا که اشتباهات بخشی طبیعی از فرآیند یادگیری هستند. تشویق فرهنگ پرسشگری و کنجکاوی، و ارزش‌گذاری بر تلاش و پیشرفت، به ایجاد یک محیط یادگیری مثبت کمک می‌کند.

این روش‌ها دانش‌آموزان را تشویق می‌کنند تا یادگیرندگان خودگردان شوند و مسئولیت یادگیری خود را بر عهده بگیرند .آن‌ها یاد می‌گیرند که چگونه منابع را بیابند، زمان خود را مدیریت کنند، اهداف یادگیری تعیین کنند، و پیشرفت خود را ارزیابی کنند. این خودگردانی، مهارتی کلیدی برای یادگیری مادام‌العمر است.

با این حال، اجرای موفقیت‌آمیز این روش‌ها با چالش‌هایی نیز همراه است .آموزش معلمان در خصوص استراتژی‌های یادگیری فعال، طراحی پروژه‌ها، و مدیریت کلاس‌های مشارکتی، یک پیش‌نیاز اساسی است .حمایت کافی از سوی نهادهای آموزشی، شامل تأمین منابع لازم (زمان، بودجه، تجهیزات) و ارائه چارچوب‌های پشتیبانی، برای تسهیل اجرای مؤثر این رویکردها ضروری است.

چالش‌های عملی نیز باید مورد توجه قرار گیرند .مدیریت زمان در پروژه‌های طولانی‌مدت و اطمینان از اینکه همه بخش‌های برنامه درسی پوشش داده می‌شوند، می‌تواند دشوار باشد .ارزیابی در این رویکردها نیز پیچیده‌تر از ارزیابی سنتی است و نیاز به روش‌های متنوعی دارد که هم فرآیند و هم محصول یادگیری را مورد سنجش قرار دهد، و همچنین اطمینان از مشارکت فعال و عادلانه همه دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی، نیازمند نظارت و راهنمایی دقیق معلم است.

در نهایت، با وجود این چالش‌ها، مزایای بلندمدت یادگیری فعال در توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان، آن‌ها را به رویکردی ارزشمند و ضروری برای نظام آموزشی تبدیل می‌کند.

نتیجه‌گیری

بر اساس مرور جامع ادبیات و تحلیل یافته‌های پژوهشی، می‌توان نتیجه گرفت که یادگیری فعال، به ویژه از طریق روش‌های مشارکتی و پروژه‌محور، یک ابزار قدرتمند و حیاتی برای ارتقاء کیفیت و اثربخشی آموزش و پرورش در دنیای معاصر است. این رویکردها فراتر از انتقال صرف محتوا، دانش‌آموزان را به مشارکت‌کنندگان فعال در فرآیند ساخت دانش تشویق می‌کنند.

این روش‌ها نه تنها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا مفاهیم درسی را به صورت عمیق‌تر و پایدارتری درک کنند و عملکرد تحصیلی خود را بهبود بخشند، بلکه مهم‌تر از آن، آن‌ها را برای چالش‌های پیچیده و متغیر دنیای واقعی آماده می‌کنند. مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، خلاقیت، حل مسئله، و همکاری، که سنگ بنای موفقیت در قرن بیست و یکم هستند، در بستر یادگیری فعال به بهترین شکل پرورش می‌یابند.

با توجه به شواهد قوی مبنی بر اثربخشی این رویکردها، توصیه می‌شود که مدارس، معلمان، و سیاست‌گذاران آموزشی، به سرمایه‌گذاری بیشتر در توسعه، پیاده‌سازی، و ترویج روش‌های یادگیری فعال ادامه دهند. این سرمایه‌گذاری باید شامل ارائه فرصت‌های آموزش حرفه‌ای مستمر برای معلمان، تخصیص منابع کافی برای طراحی و اجرای پروژه‌ها، و ایجاد فرهنگ مدرسه‌ای حامی یادگیری فعال و مشارکتی باشد.

همچنین، تحقیقات بیشتری در زمینه اثربخشی طولانی‌مدت این روش‌ها، چگونگی بهینه‌سازی آن‌ها برای گروه‌های مختلف دانش‌آموزی، و شناسایی بهترین شیوه‌ها برای ارزیابی جامع یادگیری در چارچوب یادگیری فعال، مورد نیاز است. با این رویکردها، می‌توانیم نسلی از یادگیرندگان مستقل، خلاق، و توانمند را پرورش دهیم که آماده مواجهه با آینده هستند.

منابع

احمدی, غلامعلی, & نخستین روحی. (۲۰۱۴). بررسی تمایز یادگیری تلفیقی با یادگیری الکترونیکی و یادگیری سنتی (چهره به چهره) در آموزش ریاضی. روان شناسی مدرسه و آموزشگاه, ۳(۲), ۷-۲۶.

ذاکری, & طاهری دمنه. (۲۰۲۰). مطالعه‌ای آینده‌پژوهانه در ابعاد مختلف آموزش؛ ارائهٔ چشم‌اندازی از مدرسهٔ میان‌رشته‌ای آینده. رویکردهای نوین آموزشی, ۱۵(۱), ۱۳۳-۱۵۶.

سبزه, بتول, قلاوند, فرنگیس, قاسم تبار, & سید امیر. (۲۰۲۴). اثربخشی کاربست رویکرد رجیو امیلیا بر یادگیری درس علوم تجربی دانش آموزان پایهٔ سوم ابتدایی. رویکردهای نوین آموزشی, ۱۹(۱), ۵۳-۷۶.

سلطانی, اقدسی, & هاشمی. (۲۰۲۱). مقایسه اثربخشی روش‌های آموزشی رجیوامیلیا و های‌اسکوپ بر خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی نوآموزان پیش‌دبستان شهر تبریز. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی (فصلنامه), ۱۴(۵۵), ۵۷-۸۳.

عالی, خرمی,, & اسلامی. (۲۰۱۹). چه موقع یادگیری مسئله‌محور اثربخش‌تر است: یک فراتحلیل. رویکردهای نوین آموزشی, ۱۳(۲), ۷۷-۹۴.

غریبی, تبارشرفی, صابر, رحمیان, شهین, شفائی راد, & صبا. (۲۰۲۵). مقایسهٔ اثربخشی آموزش بر اساس الگوی چرخهٔ یادگیری، روش مشارکتی و روش معمول بر میزان مشغولیت تحصیلی و نگرش به یادگیری در درس علوم تجربی پسران پایهٔ هشتم. رویکردهای نوین آموزشی, ۱۹(۲), ۱-۲۲.

کریم نژادلالمی زهرا, & کریم نژادلالمی فاطمه. (۲۰۲۱). روش های تدریس کارآمد در آموزش مجازی.